



تجربه مدیریتی چین در فرآیند اصلاحات اقتصادی

مولود احمد*



چکیده

استراتژی توسعه چین ابتدا با اصلاحات ارضی در چین به منظور کاهش فقر و افزایش سطح زندگی دهقانان فقیر، از میان بردن قدرت اقتصادی و سیاسی طبقه زمین دار، ایجاد جامعه‌ای با مساوات گرای بیشتر، سازمان‌دهی دهقانان و افزایش تولید و کارایی و تعیین چهارچوبی نهادی برای سرمایه‌گذاری و رشد اشتابان منظور نظر قرار گرفت. طی دوران طولانی هدف‌های اقتصادی را نه برنامه‌ریزان اقتصادی بلکه شخصیت‌های سیاسی تعیین می‌کردند و با توجه به این هدف‌ها به تعداد نسبتاً اندکی از اولویت‌ها محدود می‌شد. نظام برنامه‌ریزی متمرکز در چین ظاهراً شبیه نظام برنامه‌ریزی در اتحاد شوروی بود.

استراتژی توسعه چین روی دو پا حرکت می‌کرد و این تعبیر نه تنها به معنای اصلی یعنی اتخاذ همزمان تکنولوژی پیشرفته سرمایه‌بر و تکنولوژی سنتی کاربرد، بلکه همچنین به معنای تشویق همزمان گسترش بخش‌های دولتی و اشتراکی نیز هست. با این وصف هسته حسن استنباط در این استراتژی شناخت ضرورت غیرمتمرکز کردن اقتصاد و کاهش انعطاف‌ناپذیری‌هایی بود که در ذات سیستمی قرار دارد که بر تخصیص کمی منابع توسط برنامه‌ریزان مرکزی مبتنی است. چینی‌ها این مسأله را دریافتند لذا در صدد عدم تمرکز برآمدند. بنابراین یک برنامه بلند پروازانه اصلاحات اقتصادی از ۱۹۷۸. یعنی دو سال بعد از مرگ مائو رهبر چین به اجرا درآمد که هنوز نیز ادامه دارد. اصلاحات آغاز شده در سال ۱۹۷۸ را می‌توان به عنوان تلاشی برای دور شدن از کنترل‌های سیاسی به مثابه ابزاری برای هدایت اقتصاد و نیز دور شدن از برنامه‌ریزی مرکزی کمی به حساب آورد که به جای آنها مکانیسم قیمت و سایر ابزارهای هدایتی غیر مستقیم ارائه می‌شوند.

این اصلاحات نمایانگر یک جدایی اساسی از حدود ۳۰ سال تجربه سوسیالیستی در چین است.

عقیده‌های سیاسی

ب - بازکردن دروازه‌های چین برای ورود سرمایه‌ها و بازارها و عرضه‌کنندگان خارجی

ج - تمرکز زدایی و تفویض اختیار به مدیران و کارگران
از اوایل دهه ۱۹۷۰، دروازه چین روی جهان باز شد و این کشور به عادی کردن روابط خود با اروپا و آمریکا پرداخت.
در سال ۱۹۷۹ اعتبارات عمده‌ای برای ایجاد مناطق ویژه اقتصادی تخصیص یافت.

کنترل شدید وارداتی و تعرفه گمرکی برای جلوگیری از بی‌ثباتی بازار داخلی چین اعمال شد.

در نتیجه این اصلاحات، یک نظام واحد و غیرمتمرکز رنگی با عنوان سوسیالیسم بازار با تأکید بر کاهش دخالت‌های دیوان سالاری دستگاه‌های مرکزی و تفویض اختیارات به مدیران کارخانه‌ها و تقویت انگیزه‌های مادی و برقراری نظام قیمت‌گذاری مبتنی بر عرف بازار برقرار شد.

در نهایت هدف عمده در بخش صنعت، شتاب بخشیدن به رشد صنایع سبک نسبت به صنایع سنگین بود همچنین در صنعت سنگین اولویت به صنایع مهندسی از طریق انتقال تکنولوژی مطرح و سهم تولیدات صنایع سنگین برای بخش‌های صنایع سبک و کشاورزی (ارتباط بین بخشی) افزایش یافت. در تولید کالاهای بادوام نیز علاوه بر بازارهای داخلی، گسترش نفوذ و سهم بزرگی از بازارهای جهانی به عنوان هدف مطرح گردید.

پس از شروع اصلاحات اقتصادی انتقال تکنولوژی به صورت یک هدف راهبردی و برنامه‌ریزی شده مورد پذیرش قرار گرفت تا ظرف مدت ۱۵ سال محصولات کشور چین بتواند در بازارهای جهانی با محصولات سایر کشورها رقابت نماید. در امر انتقال تکنولوژی نیز معیارهای کلان عبارت بود از:

۱- نیازهای فرآیند تولید توجیه مناسبی را برای انتقال تکنولوژی فراهم نماید.

۲- هزینه تعمیر و نگهداری سرمایه‌های موجود بیش از هزینه خرید تجهیزات نوین باشد.

۳- هزینه اتلاف انرژی بیش از هزینه انتقال تکنولوژی نوین باشد.

سیاست‌های بخش انرژی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱- استفاده از نفت عمدتاً در صنایع شیمیایی

۲- جایگزین زغال سنگ توسط سایر مواد انرژی زا

۳- استفاده مؤثر از انرژی هیدروالکتریک

۴- کشف و استخراج منابع مختلف انرژی

۵- مصرف اقتصادی انرژی

تغییر رابطه بین چین و اقتصاد بین‌الملل در اواخر دهه ۱۹۷۰ در آستانه عصر اصلاحات، یکی از مهم‌ترین و چشمگیرترین پدیده‌های تاریخی اقتصاد مدرن است.

در سال ۱۹۴۹، حزب کمونیست چین به پیروزی رسید و نظام کمونیستی در آن کشور مستقر شد.

از همان سال‌های نخستین حاکمیت کمونیست‌ها در چین، دو دیدگاه اصلی درباره انتخاب سیاست توسعه ملی به وجود آمد.

دیدگاه نخست (جناح چپ) به رهبری مائو که مسائل ایدئولوژیکی، مبارزه طبقاتی و کشاورزی اشتراکی را اولویت می‌داد و در مقابل دیدگاه جناح راست مبتنی بر افزایش تولیدات صنعتی سبک و کالاهای مصرفی و افزایش انگیزه‌های مادی بود.

در ابتدا با اجرای برنامه‌های توسعه ملی مبتنی بر دیدگاه مائو و اجرای برنامه انقلاب کبیر فرهنگی، اقتصاد چین در دهه ۷۰ با مشکلات بزرگی رو به رو گردید و در مرز سقوط قرار گرفت.

تا بالاخره در سومین اجلاس یازدهمین کنگره حزب کمونیست چین در دسامبر ۱۹۷۸ به خط مشی "مبارزه طبقاتی به عنوان محور اصلی کار سیاسی" خاتمه داده شد و اصلاحات و نوسازی اقتصادی کشور شالوده اساسی سیاست مملکت اعلام شد و تجدید ساختار چندین ۱۰ ساله اقتصاد کشور سرلوحه کار قرار گرفت.

این اصلاحات در تغییر جهت اقتصاد برنامه‌ریزی شده دولتی به سوی اقتصاد باز سوسیالیستی تجلی یافت.

تجدید بنای اقتصاد کشور به عنوان محور اصلی کار دولت و حزب با تأکید بر چهار اصل اساسی (۱) و ادامه اصلاحات و دروازه‌های باز، موجب دگرگونی عظیم در اقتصاد چین شد.

نوسازی "دنگ شیائوپینگ" رهبر و بنیانگذار تحولات نوین چین متکی بر انگیزه‌های بازار بود و عامل‌های تشویق مادی را برای دستیابی به حدود چهار برابر تولید سرانه تا سال ۲۰۰۰ در نظر گرفته بود. ساختار اقتصادی به تدریج راه عقلایی شدن را پیش گرفت. کشاورزی تقویت شد و امکانات زیربنایی، بهبود چشمگیر یافت. چین در سال ۱۹۹۷ با سربلندی تمام اعلام نمود که به هدف اقتصادی خود مبنی بر چهار برابر کردن تولید ناخالص ملی نسبت به سال ۱۹۸۰ دست یافته است.

در واقع نوسازی چین بر کشاورزی متکی بود لذا هدف بلند مدت اصلاحات کشاورزی در چین بهبود زمین‌هایی بود که محصول کم یا متوسط داشتند. با توجه به اینکه بیشترین جمعیت چین را روستاییان و کشاورزان تشکیل می‌دادند و اصلاحات "دنگ" نیز در بخش‌های تولیدی قیمت‌گذاری و افزایش تنوع محصولات بود. لذا این عملکرد به رشد اقتصاد روستایی چین منجر شد و اصلاحات را ضروری می‌ساخت. در نتیجه اصلاحات کشاورزی میان سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۴ تولید انواع غله، هشت درصد افزایش داشت به طوری که کشور به مرز خودکفایی رسید و فرصت شغلی در روستاها افزایش یافت به طوری که ۷۴ درصد کل اشتغال کشور به بخش کشاورزی اختصاص داشت. در بخش صنعت نیز اصلاحات مبتنی بر مبانی زیر مورد توجه قرار گرفت:

الف - ایجاد نیروی کار ماهر و مدیریت بر اساس تخصص و نه

مسئله مهم در این ارتباط وجود مکانیزم های قانونی و سیاسی است که به اقتصاد چین اجازه ورود به اقتصاد بین الملل را داده است. چین با بهره برداری از ارتباط تنگاتنگ با سرمایه گذاران چینی تبار مقیم خارج خصوصاً هنگ کنگ توانسته است رابطه اش را با اقتصاد جهانی تسهیل و تنظیم کند.

چین با به کارگیری روش فوق (ارتباط با سرمایه گذاران چینی تبار) توانست پیوندهای خود را با اقتصاد جهانی مستحکم تر کند بدون آن که تحت تأثیر نیروهای تهاجمی بازار و فشارهای سیاسی ناشی از آن قرار گیرد.

البته شرایط سیاسی داخلی پس از دوران رفرم و سیاست های اقتصادی خاص چون مدیریت مالی و همچنین اجتناب از جریان های سرمایه ای کوتاه مدت (گرایش چین به سرمایه گذاری های زیربنایی) منجر به ثبات نسبی و موفقیت چین در راستای بین المللی شدن اقتصاد گردید. در حال حاضر مسیر چین در زمینه آزادسازی اقتصاد برای کشورهای عقب مانده مبتنی بر نظام ارضی قابل توجه است.

تا سال ۱۹۷۸، استراتژی توسعه صنعتی چین مبتنی بر سیاست جایگزینی واردات بود. اتخاذ استراتژی مذکور هر چند که خارج از چارچوب بازار عمل می کرد ولی با هدف توسعه و نوسازی اقتصاد و

همگن شدن با اقتصاد بین الملل سازگاری و مطابقت داشت. البته یک چنین استراتژی مستلزم وارد کردن دانش فنی و تکنولوژی تولید کالاهای سرمایه ای و واسطه ای و نیز کالاهای مصرفی با دوام (به جای وارد کردن آن کالاها) می بود.

تعداد زیادی از نخبگان سیاسی چین از محدودیت ها و کاستی های اقتصاد درونگرایی چین آگاه بودند و به همین دلیل از سال ۱۹۷۸ درصد برآمدند تا با نظام اقتصاد خارجی نیز در تعامل باشند.

سیاست هایی چون افزایش صادرات، واردات سرمایه ها و تکنولوژی خارجی و همچنین ایجاد مناطق پردازش صادرات از جمله سیاست های اصلاحی بود که رهبران حزب کمونیست چین در سومین مجمع حزب کمونیست اتخاذ کردند. صادرات به عنوان منبع درآمد ارزی جهت نوسازی (مدرنیزاسیون) اقتصاد چین مورد توجه قرار گرفت.

نهایتاً پتانسیل مناطق ویژه پردازش صادرات به عنوان ابزاری در دور نگه داشتن اقتصاد داخلی از تنوع تولیدات داخلی بود. پتانسیل مناطق پردازش صادرات صرفاً در زمینه تولید صادراتی و نه نیازهای تولیدات داخلی به کار گرفته می شد. برای مناطق مذکور امتیازات خاص چون تسهیلات بانکی و پرداخت های خاصی در نظر گرفته شده بود.

با توجه به اینکه جذب سرمایه گذاری

خارجی مورد توجه چین می باشد اعداد و ارقام کلی نیز حاکی از آن است که تا پایان سال ۱۹۹۶ چین با سرمایه گذاری ۲۸۳۷۹۳ شرکت و بنگاه خارجی با سرمایه ای بالغ بر ۴۶۶/۸ میلیارد دلار موافقت نمود. از این میزان ۱۴۰/۰۰۰ شرکت که تقریباً سرمایه ای بالغ بر ۱۷۹ میلیارد دلار داشتند فعالیت خود را آغاز کردند. بیشترین سرمایه گذاری های سال های (۱۹۹۶-۱۹۹۲) که چین ۱۵۷/۵ میلیارد دلار دریافت کرده بود صورت گرفته است. چین در سال ۱۹۹۶ بعد از آمریکا دومین جذب کننده سرمایه گذاری خارجی در جهان شناخته شد.

سرمایه گذاران چینی تبار مقیم خارج که اغلب از هنگ کنگ، تایوان و سنگاپور بودند بیش از سه چهارم سرمایه گذاری خارجی چین را در سال ۱۹۹۶ انجام دادند.

طرح تأسیس مناطق به خصوص اقتصادی در سال ۱۹۷۹ به تصویب حزب کمونیست چین رسید و از سال ۱۹۸۰ این مناطق ایجاد شدند.

این مناطق شامل شن جن، شیامن، جوخی، شان تو و حاینان می باشد. تصویب این طرح

شاخص های کلان اقتصاد چین در سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ میلادی		
سال	شاخص	ارقام
۲۰۰۲	تولید ناخالص داخلی (GDP)	۵/۹۸۹ تریلیون دلار
۲۰۰۲	نرخ رشد واقعی تولید	۸ درصد
۲۰۰۲	تولید سرانه	۴/۷۰۰ دلار
۲۰۰۱	سهم بخش های مختلف اقتصادی در (GDP)	
-	بخش کشاورزی	۱۵/۲ درصد
-	بخش صنایع و ساختمان	۵۱/۲ درصد
-	بخش خدمات	۳۳/۶ درصد
۲۰۰۱	جمعیت زیر خط فقر	۱۰ درصد
۲۰۰۱	شاخص جینی	۴۰ درصد
۲۰۰۱	نرخ تورم	۰/۸- درصد
۲۰۰۱	نیروی کار	۷۴۴ میلیون نفر
۲۰۰۱	سهم نیروی کار در بخش های مختلف اقتصادی	
-	بخش کشاورزی	۵۰ درصد
-	بخش صنعت	۲۲ درصد
-	بخش خدمات	۱۰ درصد
۲۰۰۲	نرخ بیکاری	۱۰ درصد
۲۰۰۲	بودجه:	
-	درآمدها	۲۲۴/۸ میلیارد دلار
-	مخارج	۲۶۷/۱ میلیارد دلار
-	کسری بودجه	۴۲/۳ میلیارد دلار

اشکال مواجه می‌سازد. به همین دلیل آنچه در چین بیشتر به آن توجه شده، اصلاح ساختار مدیریت و عملکرد بنگاه‌ها بوده است و در کنار آن، با استفاده از ابزار کلان اقتصادی مانند اعلام مقررات آسان‌تر برای صادرات و واردات، ایجاد مناطق آزاد صنعتی و تجاری و وضع قوانین متعدد برای هویت بخشیدن به بخش خصوصی تلاش شده است در مسیر صنعتی شدن گام برداشته شود.

چین در سال‌های اخیر با جهت‌گیری اقتصادی مناسب و سیاست اصلاحات و درهای باز موفقیت‌های زیادی داشت که مهم‌ترین آن عضویت چین در سازمان تجارت جهانی (WTO) در اواخر سال ۲۰۰۱ بود. پیوستن به این سازمان برای پکن به معنای ورود بیشتر سرمایه‌های خارجی و توسعه صنعتی و ارتقای توانایی رقابت مؤسسات است.

نتیجه‌گیری

در نهایت می‌توان گفت اصلاحات اقتصادی در چین اصلاحاتی بود که از بخش کشاورزی و تجاری شروع شده و به تدریج به بخش صنایع نیز سرایت کرد. اصلاح طلبان در پی موفقیت در بخش کشاورزی به توسعه مؤسسات اقتصادی، سیستم توزیع، مؤسسات مالی و تجارت خارجی نیز پرداختند و در اواسط دهه ۱۹۸۰ بخش تجارت

بر اساس نظریه "دنگ شیائوپینگ" مبتنی بر سیاست درهای باز بود. "دنگ" در مورد مناطق ویژه اقتصادی می‌گوید: این مناطق پنجره‌هایی به سوی تکنولوژی مدیریت و دانش در راه خدمت به برنامه‌های نوسازی چین می‌باشند. در این مناطق خارجی‌ها می‌توانند در پروژه‌های متعدد سرمایه‌گذاری نمایند و درآمد خود را آزادانه به خارج از مناطق ببرند.

دولت چین به عنوان یکی از سرمایه‌گذاری در سرمایه‌گذاری شرکت دارد. شرایط بازار کار و کارگر نیز کاملاً بر اساس عرضه و تقاضا می‌باشد و کارگران همگی از داخل چین تأمین می‌شوند. پرداخت مالیات و واگذاری زمین و سایر تسهیلات نظیر صدور روادید به صورت ویژه متفاوت با سرزمین سالاری صورت می‌گیرد به طور مثال مالیات بر درآمد در داخل چین ۳۰ درصد و در مناطق ویژه ۱۵ درصد می‌باشد.

یکی از اهداف ایجاد مناطق آزاد اقتصادی احتیاج به ورود تکنولوژی پیشرفته و دانش آن جهت نوسازی چهارگانه (کشاورزی، صنعت، علوم تکنولوژی و امور نظامی) کشور می‌باشد. تأمین سرمایه مورد نیاز جهت عملی ساختن برنامه عظیم چهار مدرنیزاسیون فوق از طریق جذب سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد اقتصادی می‌باشد.

تأمین بازار داخلی از دیگر اهداف است. چین به جای این که کالاهای ساخته شده مورد نیاز جمعیت عظیم خود را وارد کند با استفاده از کارگر ارزان چینی و حتی الامکان مواد اولیه داخلی به تهیه کالاهای مورد نیاز خود می‌پردازد از این راه تقاضای رو به رشد بازار داخلی را تأمین می‌نماید.

بی‌شک حضور صنایع پیشرفته خارجی باعث ارتقای کیفیت صنایع موجود در چین خواهد شد.

در طول دهه ۱۹۸۰ چین با کاهش تدریجی نرخ‌های تعرفه برای کالاهای نیمه ساخته و حمایت از صنایع داخلی به کمک نرخ‌های مؤثر با تکیه بر عواملی نظیر افزایش مشارکت در اقتصاد بین‌الملل، افزایش فعالیت بخش خصوصی، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و ایجاد تسهیلات برای ورود تکنولوژی مناسب و مدرن در مسیر اجرای سیاست تشویق صادرات به موفقیت‌هایی نائل شد.

یکی از مشکلات مهم چین در راه اصلاحات اقتصادی، موانع ایدئولوژیکی آن است که انتقال مالکیت را به بخش خصوصی با

ارقام	شاخص	سال
۱۲/۶ درصد	نرخ رشد تولیدات صنعتی	۲۰۰۲
۱/۴۲ تریلیون کیلووات ساعت	میزان تولید برق	۲۰۰۱
۸۰ درصد	منابع تولید برق:	۲۰۰۱
۱۸/۵ درصد	فسیلی	-
۱/۲ درصد	آبی	-
۰/۱ درصد	هسته‌ای	-
	سایر	-
۱/۳۱۲ تریلیون کیلووات ساعت	مصرف برق	۲۰۰۱
۱۰/۳ میلیارد کیلووات ساعت	صادرات برقی	۲۰۰۱
۱/۵۵ میلیارد کیلووات ساعت	واردات برقی	۲۰۰۱
۳/۳ میلیون بشکه در روز	تولید نفت	۲۰۰۱
۴/۹۷۵ میلیون بشکه در روز	مصرف نفت	۲۰۰۱
۳۰/۳ میلیارد متر مکعب	تولید گاز طبیعی	۲۰۰۱
۳۰/۳ میلیارد متر مکعب	مصرف گاز طبیعی	۲۰۰۱
۰ متر مکعب	صادرات گاز طبیعی	۲۰۰۱
۰ متر مکعب	واردات گاز طبیعی	۲۰۰۱
۳۲۵/۶ میلیارد دلار	صادرات	۲۰۰۲
۲۹۵/۳ میلیارد دلار	واردات	۲۰۰۲
۱۴۹/۴ میلیارد دلار	بدهی خارجی	۲۰۰۲
۸/۲۸ یوآن در مقابل هر دلار	نرخ ارز	۲۰۰۱
۸/۲۸ یوآن در مقابل هر دلار	نرخ ارز	۲۰۰۲

خارجی و سرمایه‌گذاری با شیوه درهای باز و جلب سرمایه‌گذاری خصوصی و خارجی و با ایجاد مناطق ویژه اقتصادی از مرحله افزایش صادرات به سوی گسترش تولیدات صادراتی (به گونه‌ای که در آن از مزایای بازار، کارگر ارزان و صنایع سبک استفاده شود) حرکت کردند. کلام آخر اینکه در روند رشد و توسعه اقتصادی چین مجموعه‌ای از عوامل به صورت یک بسته (Puckage) دخالت داشته‌اند و نمی‌توان فقط به یک یا دو مورد خاص استناد کرد. مجموع این عوامل را می‌توان در چارچوب اصلاح امور پولی و ارزی و نظام مالیاتی، برنامه‌های دقیق آموزش نیروی انسانی، تحقیقات و فناوری، استفاده مؤثر از نقاط قوت دو اقتصاد سوسیالیستی و آزاد، استفاده کارا از شرایط بین الملل، استفاده منطقی از تکنولوژی نوین و تحول در بهره‌وری عوامل تولید، ثبات و امنیت سیاسی و اقتصادی مورد بحث و بررسی قرار داد.

به طور خلاصه می‌توان شاخص‌های الگوی اقتصادی چین را چنین برشمرد:

۱. وجود سیستم مدیریتی توانمند و آگاه و کارآمد در فرآیند نوسازی و اصلاحات

۲. ثبات در اجرای سیاست‌های اقتصادی به گونه‌ای که اصلاحات به طور پیگیر و در بلندمدت صورت گیرد.

۳. توجه به نقش بخش کشاورزی و روستا به عنوان مراکز ایجاد اشتغال تولید صنایع تبدیلی، تغذیه بخش صنعت و جامعه شهری و صرفه‌جویی ارزی.

۴. گسترش نقش نیروهای بازار در تعیین قیمت‌ها

۵. جذب سرمایه‌های خارجی

۶. گذر و انتقال منطقی از سیاست درونگرا به برونگرا از طریق ایجاد مناطق ویژه اقتصادی و گسترش این مناطق

۷. گسترش صادرات با هدف کسب ارز برای ورود تکنولوژی و تجهیزات نوین

۸. توسعه تکنولوژی در داخل با توجه به شرایط بومی

۹. توسعه مؤسسات و بازارهای مالی

۱۰. تقویت مدیریت در شرکت‌ها و مؤسسات صنعتی

۱۱. تمرکز زدایی در مسوولیت‌ها و هدایت تلاش‌ها به سوی رفع تنگناها

۱۲. اولویت دادن به شاخص‌های کیفی در آموزش نیروی انسانی متخصص به منظور افزایش بهره‌وری نیروی کار

۱۳. تقویت ارتباط میان تحقیقات دانشگاهی و صنعت و فناوری

۱۴. تغییر قوانین دست و پاگیر داخلی

۱۵. عقلانیت اقتصادی بر پایه مقید نشدن صرف به یکی از دو نظام متمرکز و یا آزاد

۱۶. کاهش تدریجی مالکیت دولتی و تشویق و فعال کردن بخش خصوصی در زمینه‌های مختلف اقتصاد

۱۷. وجود مردمی صبور، کاری، کم توقع و کم مصرف با قدرت

پس انداز بالا. ■

منابع:

- ۱- اصلاحات در چین و شوروی، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران
 - ۲- تحولات سیاسی در جمهوری خلق چین، یان داری شر، ترجمه عباس هدایت وزیری، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
 - ۳- تقویم تحولات چین، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، گروه مطالعات شرق آسیا
 - ۴- چین و آسیای مرکزی (مناسبات سیاسی، اقتصادی و امنیتی)، پروفیسور جانوچانگ، شینگ گوانگ چنگ و سوان جوانگ جی، ترجمه محمد جواد امیدوارنیا، مؤسسه مطالعات دریای خزر
 - ۵- چین و خاورمیانه، محمد جواد امیدوارنیا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
 - ۶- راهبردهای توسعه اقتصادی، کیت گریفین، ترجمه حسین راغفر، محمدحسین هاشمی، نشر نی
 - ۷- اقتصاد توسعه، از فقر تا ثروت ملل، یوجیروهایامی، ترجمه دکتر غلامرضا آزاد (ارمکی)، نشر نی
 - ۸- جهانی سازی، مسائل آن، جوزف استیکلیتز، ترجمه حسن گلریز، نشر نی
 - ۹- راهبرد ۳۰، نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک، زمستان ۱۳۸۲
 - ۱۰- چین، مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی ۵/۲، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
 - ۱۱- اقتصاد آسیا، ماهنامه بین‌المللی اقتصادی - بازرگانی، شماره‌های مختلف
 - ۱۲- اقتصاد ایران، ماهنامه اقتصادی و مالی بین‌المللی، شماره‌های مختلف
 - ۱۳- تجارت، ماهنامه بانک تجارت، شماره‌های مختلف
 - ۱۴- سیاست اصلاحات در اقتصاد روستایی چین (۱)، دکتر ناصر خادم آدم، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۲-۱۴۱
 - ۱۵- سیاست اصلاحات در اقتصاد روستایی چین (۲)، دکتر ناصر خادم آدم، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۳-۱۴۲
 - ۱۶- ازدها، آژانس می‌شود اقتصاد چین، ترجمه رضا علی اکبرپور، نشریه شرق، ۸۲/۶/۹
 - ۱۷- گسترش صنعت، هفته نامه گسترش صنعت (اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی)، شماره‌های مختلف
 - ۱۸- بررسی تحلیلی اقتصاد چین، علی نوروزی، نشریه توانا، شماره ۳۶
 - ۱۹- سیاست‌های توسعه اقتصادی در چین، از الگوی شوروی تا اصلاحات نوین، غلامرضا کزانی، آزاد، برنامه و بودجه، شماره اول
 - ۲۰- تجربه خصوصی سازی در چین، نشریه آسیا، ۸۷/۸
 - ۲۱- از تجربه‌های چین در اصلاح ساختار اقتصادی در کشور بهره بگیریم، گزارشی درباره چین و اشتراکات ایران با این کشور، نشریه آسیا، ۸۷/۳۱
 - ۲۲- مناطق آزاد، محور اصلاح طلبی اقتصاد چین، دکتر محمدعلی خطیب نشریه جاده ابریشم، ص ۱۹
 - ۲۳- مروری بر دو دهه اصلاحات اقتصادی در چین، نشریه جام هفته - ۲۱۶
 - ۲۴- چین؛ از برنامه ریزی دستوری تا اقتصاد بازار، نشریه: گزارش - ۱۳۳
 - ۲۵- ملاحظیات سیاست‌های آزادسازی، تیان، ۸۰/۱۷۲
- 26- CIA - the word factbook - China -
<http://WWW.cia.gov/cia/publications/factbook/geos/ch.html>
- 27- Post - reform china and the international economy economic Change and liberalisation under sovereign control.
 Gautam sen International Relations, London School of Economics
 g.sen@Lse.ac.uk 2001
 First press
 WWW. theglobalsite.ac.uk

پی نوشت‌ها:

- ۱- (تعدیل اصلاح ثبیت و بهبود)
- 2- <http://www.cia.gov/cia/publications/factbook/geos/ch.html>
- در سال ۲۰۰۲ به ترتیب ۱۸، ۲۱۷۵ و ۱۴۹ درصد از صادرات چین روانه کشورهای آمریکا، هنگ کنگ و کره جنوبی شده است.
- در سال ۲۰۰۲ به ترتیب ۱۷۱، ۱۰۷۵، ۹۷۲ و ۵۹ درصد از واردات چین از کشورهای ژاپن، تایوان، کره جنوبی، آمریکا و آلمان انجام شده است.

*عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی (واحد تهران جنوب)